

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022/287226/1748>

A Study of Comparative of the Age of Child Criminal Responsibility in Iranian Laws and Islamic Penal Code ۲۰۱۳

Abstract

In today's, Criminal responsibility complex society's Criminal responsibility in simple societies of the past cannot be completely equated; modern societies usually have a detailed set of criminal rules. It is not possible for a girl to be held responsible for a certain age at a particular age, especially at the age of nine for all criminal law; if we are to hold a nine-year-old girl accountable for all black crimes, we must inevitably have lower offenses and penalties. The child at such an age is still unable to conceive many of the concepts of the material and spiritual element of crime. According to the rule of law and the rules of law, subject matter and the legislator's compliance with the prominent legal opinions of Iran, the age of puberty is the basis for determining the age of criminal responsibility for children. In post-revolutionary law, it is nine years for girls and fifteen years for boys. As a result of reaching adulthood, it is not a matter of achieving criminal growth and must set a certain age for criminal development so that children who are legally adolescent but do not have criminal development are not prosecuted unjustly.

Keywords: Criminal Responsibility Age, Maturity, Growth, Islamic Penal Code, roles of Subjects

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022/287326/1748>

مطالعه تطبیقی سن بلوغ به عنوان سن مسئولیت کیفری در قوانین ایران و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

عیسی بزرگمهر^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵

چکیده

مسئولیت کیفری در جوامع امروزی با مسئولیت کیفری در جوامع ساده گذشته را نمی‌توان کاملاً یکسان دانست؛ اگرچه در جوامع امروزی معمولاً دارای مجموعه مفصلی از مقررات کیفری است. مسئول دانستن فرد در یک نقطه معین از سن بویژه در سن نه سالگی برای دختران نسبت به کل مقررات کیفری امکان پذیر نیست؛ اگر بخواهیم دختر نه ساله را نسبت به کل سیاهه جرایم مسئول بدانیم ناگزیر باید از سنین پایین‌تر جرایم و مجازات‌ها را به وی آموزش دهیم. کودک در چنین سنی هنوز قادر نیست بسیاری از مفاهیم مربوط به عنصر مادی و معنوی جرایم را به خوبی تصور کند. با توجه به حاکمیت مقررات و قواعد شرعی، بر قوانین موضوعه و پیروی قانونگذار از نظرات مشهور قوانین ایران، سن بلوغ شرعی، مبنای تعیین سن مسئولیت کیفری برای اطفال و نوجوانان تعیین شده است که این سن در قوانین پس از انقلاب نه سال تمام قمری برای دختران و پانزده سال تمام قمری برای پسران است. در نتیجه رسیدن به بلوغ، به منزله رسیدن به رشد کیفری نیست و بایستی سن مشخصی برای رشد کیفری معین گردد؛ تا کودکانی که از لحاظ قانونی به سن بلوغ رسیده، ولی از رشد کیفری برخوردار نیستند؛ بی‌جهت مورد تعقیب و عقوبت قرار نگیرند.

کلیدواژه‌ها: سن مسئولیت کیفری، سن بلوغ، رشد، قوانین ایران، قانون مجازات اسلامی.

اگر نوع نگرش به اطفال را از زمان قبل از اسلام بررسی کنیم، می توان بیان کرد که اطفال همانند بزرگسالان، دارای نیازها و خصوصیات هستند و از این رو دارای حقوق و تکالیفی همانند افراد بزرگسال بودند. اما به تدریج و با افزایش شناخت نسبت به ابعاد مختلف وجود و شخصیت آنان، این رویکرد تغییر کرد. یافته های علوم تربیتی، روانشناسی، جامعه شناسی و جرم شناسی، تفاوت های چشمگیر کودکان و بزرگسالان از جنبه های مختلف را آشکار کرد و قانونگذاران ملی نیز با تبعیت از این یافته های علمی و نیز الزامات بین المللی نشأت گرفته از آن ها، حقوق و تکالیف متمایزی را برای کودکان در نظر گرفتند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۱۷).

در حقیقت مسئول کیفری از نتایج مستقیم انتساب جرم به فاعل آن احراز می شود (ولیدی، ۱۳۶۶: ۲۶). بنا بر این وقتی می گوئیم عملی جرم است معنایش این است که آن عمل «به طور مناسبی» یا «به نحو شایسته ای» با شرایط و موقعیت فاعل مرتبط است، از این رو جرم بودن یا نبودن، صفتی نسبی است و نمی توان به طور مطلق، عملی را مجرمانه یا غیرمجرمانه خواند، چرا که نمی تواند یک عمل با تمام موقعیت ها سازگار و مناسب باشد. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، تغییرات قابل توجهی را در رابطه با حداقل سن مسئولیت کیفری به وجود آورده است. این امر از یک سو به دلیل کاستی های قانون سابق و از سوی دیگر تحت تأثیر توصیه های مراجع بین المللی و نیز دستاوردهای حاصل از مطالعات تطبیقی در حوزه عدالت کیفری اطفال بوده است.

برای تعیین ملاک لازم و مناسب جهت تعیین آستانه تحمل مجازات و مسئولیت کیفری برای افراد، قبل از هر چیز باید تعیین نماییم که چه ویژگی و خصوصیتی در انسان پدیدار می شود که به عنوان فردی بالغ، قابل بازخواست و ملزم به پاسخ گویی می گردد و مآلاً در صورت ارتکاب اعمال خلاف قوانین و مقررات، از یک سو مستوجب تحمل مجازات بوده و از سوی دیگر می توان با توجه به شرایط موجود در وی به طور معقول و متعارف انتظار داشت که اعمال مجازات در وی تأثیرگذار بوده و منجر به اصلاح فرد خواهد شد (شایگان فرد و صفاری، ۱۳۹۲: ۱).

روندهای چند دهه اخیر تحولات حقوق کودکان و دادگاه های اطفال در عرصه بین المللی، توجه به مسئله سن و معیار قرار دادن سن در مجازات افراد و کودکان، موضوعی مهم و یک روند مورد تأکید حقوقی در سیستم های سیاسی - حقوقی مختلف بوده است. روند بین المللی در حال ظهور در این زمینه، حکایت از لزوم توجه بیشتر به افزایش حداقل سن مسئولیت کیفری و توجه به کیفیت دادگاه های ویژه اطفال (بین ۱۳ تا ۱۸ سال) و تعیین ۱۸ سالگی به عنوان سن بزرگ سالی دارد (روحانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۱).

باید اذعان نمود که در سیاست جنایی ایران، هیچ سازوکاری برای حمایت از کودکان و نوجوانان، پیش بینی نشده است؛ چرا که بدون در نظر گرفتن شرایط اقلیمی و اجتماعی ایران و صرفاً با توجه به اینکه قوانین جزایی از فقه اقتباس شده است؛ سن مسئولیت کیفری، سن بلوغ در نظر گرفته شده است. قانونگذار ایران به جای تعیین سن رشد «رشد کیفری» فقط به سن بلوغ اکتفاء کرده است. در نتیجه رسیدن به بلوغ، به منزله رسیدن به رشد کیفری نیست و بایستی، سن مشخصی برای رشد

کیفری تعیین و معین گردد؛ تا کودکان بی‌گناهی که از لحاظ قانونی به سن بلوغ رسیده، ولی از رشد کیفری برخوردار نیستند؛ بی‌جهت مورد تعقیب و عقوبت قرار نگیرند.

لذا راه‌حل محقق این است که «تعیین سن مشخصی در قانون برای روشن ساختن تکلیف قضات ضروری است، شایسته است این سن از ۹ و ۱۵ سال به ۱۸ سال هم در دختران و هم در پسران ارتقاء پیدا کند». ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک نیز افراد زیر ۱۸ سال را کودک محسوب کرده و مطابق قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک، ایران نیز می‌تواند از مفاد این کنوانسیون استفاده کرده و همین سن را در قوانین داخلی ملاک قرار دهد. نهایتاً اگر سن ۱۸ سال از نظر قانونگذار اماره‌ی رشد محسوب گردد، فرد قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال هم می‌تواند به دادگاه مراجعه کرده و حکم رشد برای خود بگیرد. ضمن اینکه قضات هم در صورتی که رشد و کمال عقلانی و جسمانی را در فرد محرز دیدند ولو اینکه وی به سن ۱۸ سال نرسیده باشد می‌تواند او را واجد مسئولیت کیفری و در نتیجه محکوم به مجازات شناسایی کنند. به بیانی دیگر می‌توان به دلیل رشید شدن فرد در سن ۱۸ سالگی سن مسئولیت کیفری را در قوانین کیفری ۱۸ سال تمام دانست مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. لذا با وجود عبارت دوم امکان مجازات افراد بین ۹ تا ۱۸ سال (در دختران) و ۱۵ تا ۱۸ سال (در پسران) که رشد آنها با تشخیص نظر کارشناس و پزشکی قانونی ثابت شده است فراهم می‌گردد و امکان گریز از چنگال قانون برای این افراد به وجود نمی‌آید.

پیشینه پژوهش

حیدری (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی تطبیقی سن مسئولیت کیفری اطفال در فقه اسلامی، اسناد بین‌المللی و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پرداخت. نتایج نشان داد که الزام قاضی اطفال به انجام تحقیق اجتماعی یا معاینه پزشکی - روان‌شناختی که بر مبنای افتراقی کردن حقوق کیفری اطفال در برخی کشورها همچون فرانسه قوام یافته است، نیز بسیار راهگشا می‌باشد. و براین پایه، قاضی بایستی اتخاذ هر نوع تصمیم از قبیل نظارت، راهنمایی، آزادی با مراقبت، سپردن به خانواده دیگر، اجرای برنامه‌های آموزش عمومی و حرفه‌ای و... را در جهت اصلاح و تربیت طفل قرار دهد.

قاسمی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی نگرش نوین حقوق کیفری ایران درباره استثنائات وارد بر اصل فقدان مسوولیت کیفری کودکان و نوجوانان پرداختند و نتایج نشان داد که با توجه به قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ که تادیب کودک را همان تعزیر در معنای شرعی خود می‌دانست، رویکرد اتخاذی قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲ را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. آن چیزی که مسلم است تاسیسات قانون‌گذار در خصوص مسوولیت کیفری کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۹۲ بی‌سابقه بوده و بعضاً رویکرد مشهور فقها را مورد پذیرش قرار نداده است.

صبوری پور و فاطمه علوی صدر (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی سن مسئولیت کیفری کودکان و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پرداختند. نتایج نشان داد که عدم تفکیک حداقل سن مسئولیت کیفری و سن بلوغ کیفری، باعث می‌شود که عدم مسئولیت مطلق در اطفال به عرصه‌ی مسوولیت کیفری بیانجامد و این قانون در سال ۱۳۹۲ با تغییرات مهمی انجام شد.

چارچوب نظری

عناصر تشکیل دهنده مسئولیت کیفری

قانون گذار شرایط مسئولیت کیفری را در فصل اول از بخش چهارم کتاب اول قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ بیان نموده است که عبارت‌اند از:

- (۱) بلوغ؛
- (۲) عقل؛
- (۳) اختیار؛

این شرایط در زمان ارتکاب جرم باید در مرتکب وجود داشته باشد. ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌دارد: «مسئولیت کیفری در حدود^۱ و قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق می‌شود که شخص در حین ارتکاب جرم بالغ، مختار و عاقل باشد به جز در مورد اکراه بر قتل که حکم آن در کتاب سوم «قصاص»^۲ آمده است. همچنین در جرائم عمدی وجود قصد شرط دانسته شده است؛ که ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در این خصوص بیان می‌دارد: «در تحقق جرایم عمدی علاوه بر علم مرتکب جرم به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه محرز گردد...».

به عبارت دیگر مجرم باید با برخورداری از خصوصیات و شرایط تکلیف و صلاحیت انتساب مسئولیت مانند بلوغ، عقل، اختیار و علم و آگاهی به حرمت عمل، مرتکب جرم گردد تا بتوان او را از نظر کیفری مسئول شناخت.

در متون فقهی نیز برای اهلیت انتساب جرم علاوه بر بلوغ، عقل و اختیار وجود علم و قصد در باب حدود موضوعیت دارد و وجود آنها شرط لازم، جهت انتساب جرم به اشخاص می‌باشد. برای مثال در حد زنا می‌گوید. (و تسقط بدعوی الجهاله و الشبهه مع امکانهما فی حقّه). حد زنا با ادعای

^۱ ماده ۲۱۷- در جرائم موجب حد، که علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسوولیت کیفری به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد و مرتکب در صورتی مسئول است.

^۲ مواد مرتبط (در خصوص اکراه بر قتل) عبارت‌اند از:

(۱) ۳۷۵- اکراه در قتل مجوز قتل نمی‌باشد ولی مرتکب، قصاص می‌شود، و اکراه کننده، به حبس ابد محکوم می‌گردد.

تبصره ۱- اگر اکراه شونده طفل غیرممیز یا مجنون باشد، فقط اکراه کننده محکوم به قصاص است.

تبصره ۲- اگر اکراه شونده طفل ممیز باشد عاقله او دیه مقتول را می‌پردازد. در این مورد اکراه کننده به حبس ابد محکوم می‌شود.

(۲) ۳۷۹- هرگاه کسی دیگری را به رفتاری اکراه کند که موجب جنایت بر اکراه شونده گردد، جنایت عمدی است و اکراه کننده قصاص می‌شود، مگر اکراه کننده قصد جنایت بر او را نداشته و آگاهی و توجه به اینکه این اکراه نوعاً موجب جنایت بر او می‌شود، نیز نداشته باشد که در این صورت جنایت شبهه عمدی است و اکراه کننده به پرداخت دیه محکوم می‌شود.

جهالت یا شبهه زانی نسبت به حرمت زنا، از او ساقط می شود. در کتاب قصاص در تعریف قتل عمد، داشتن قصد را لازم می داند) والعمد يحصل بقصد البالغ الی القتل بما یقتل غالباً...^۳. بنابراین با توجه به مواد ۱۴۰ و ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی شرایط مسئولیت کیفری عبارت‌اند از: عقل، بلوغ، اختیار و قصد (در جرائم عمدی) و می‌توان چنین نتیجه گرفت: هر فردی که مرتکب جرم شده باشد قابل مجازات نیست بلکه مجرم مسؤول قابل مجازات است؛ بنابراین مرتکب باید مسئولیت کیفری داشته باشد تا قابل مجازات باشد.

دکتر دادبان در این خصوص معتقدند: «مسئولیت کیفری عبارت است از مجرمیت به علاوه‌ی قابلیت انتساب (دادبان به نقل از ساولانی، ۱۳۹۵: ۲۳۷).

قابلیت انتساب عبارت است از توانایی پذیرفتن بار تقصیر؛ به عبارت دیگر قابلیت انتساب برخورداری فاعل از قدرت ادراک و اختیار است؛ بنابراین اگر مجرمیت فرد (یعنی ارتکاب عمل ممنوعه توسط وی) احراز گردد باید مسئولیت کیفری وی نیز احراز گردد تا قابل مجازات باشد. با توجه به آنچه گفته شد برخی عوامل مانع وجود مسئولیت کیفری می‌شوند که تحت عنوان موانع مسئولیت کیفری (عوامل رافع مسئولیت کیفری) از آنها یاد می‌شود. (همان)

مفهوم بلوغ

در نظام اسلامی نیز حد بلوغ شرعی - مترادف بلوغ جسمی و رشد عقلی - مبین سنی است که فرد توانایی پذیرش مسئولیت اجتماعی و حقوق را دارا باشد. در دوره معاصر، تحت تأثیر تحولات علمی در قوانین، حقوق کیفری اطفال مورد توجه بیشتر واقع شد و به تدریج از سال ۱۳۰۴ با تصویب قانون مجازات جدید سن ۱۸ سالگی به عنوان سن مسئولیت کیفری تعیین و در ضوابط بعدی از جمله قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب سال ۱۳۳۸ نیز عیناً همان سن مقرر شد.

براساس قانون مجازات جدید، اطفال کمتر از ۱۸ سال از نوعی عدم مسئولیت مطلق کیفری برخوردار بودند و در معرض مجازات خاص تعدیل شده برای جرم قتل قرار می‌گرفت.

در بسیاری از نظام‌های کیفری دنیا حسب برخی شرایط مثلاً افزایش شدید بزهکاری جوانان - امکان تقلیل حد سن مسئولیت کیفری یا تشدید مجازات به صورت مقطعی فراهم می‌شود، اما این تغییرات به حدی در بخش حقوق کیفری اطفال حساب شده، علمی و با احتیاط انجام می‌شود که کمتر در تعارض با سیاست کیفری آنان در این باره قرار خواهد گرفت.

مشهور فقهای امامیه، مفهوم بلوغ را در تحقق ملاک مسئولیت کیفری برای پسران صرفاً سن پانزده سالگی کامل قمری و برای دختران نیز فقط سن نه سالگی تمام قمری میدانند، یعنی صرفاً معیار سن رادر تعیین تحقق بلوغ کیفری دخیل دانسته‌اند و سن را تنها معیار بلوغ کیفری هم در پسران و هم در دختران می‌دانند. (علامه حلی، ۱۴۲۰: ۵۲۳ و امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰: ۱۳)

علامه حلی در این باره می‌فرماید: «بلوغ به اموری محقق می‌شود: رویدن موی خشن بر عانه و ظاهراً آن اماره باشد و خروج منی و سن که در پسر ۱۵ سال قمری و در دختر ۹ سالگی می‌باشد»

(فخرالمحققین، ۵۰: ۱۳۸۷ و ۵۱). نکته ای که در این کلام وجود دارد این است که رویدن موی ۱۳۴۹ را اماره و نشانه ای بر بلوغ دانسته نه اینکه محقق نفس بلوغ باشد، اما دو امر دیگر (منی و سن) را محقق بلوغ قرار داده است. مستفاد از کلمات بعضی دیگر از فقهاء این است که هر سه امر از امارات بلوغ هستند و فرقی بین آنها از این نظر نیست. محقق حلی نیز در این باره می‌فرماید: بلوغ به چند امر حاصل می‌شود: رویدن موی خشن بر عانه و خروج منی که در این دو مورد زن و مرد یکسان هستند و نیز رسیدن به سن که در پسر ۱۵ سال و در دختر ۹ ملاک بلوغ می‌باشد، اما حامله شدن و حیض از عوامل بلوغ نیستند، بلکه نشانه این هستند که قبلاً بلوغ محقق شده است. (محقق حلی، ۱۴۰۸ ه ق: ۸۴). سایر فقهاء نیز همین عقیده را دارند. و اکثر آنان معتقدند که بلوغ سنی در پسران ۱۵ و در دختر ۹ سال می‌باشد. صاحب جواهر در ارتباط با بلوغ دختر در ۹ سالگی می‌فرماید بلوغ دختران در سن مذکور امرا است که مذهب بر آن مستقر گردیده است. (نجفی، ۱۴۰۷ ه ق: ۲۳۳).

هیچ‌کس از فقهاء شیعه معتقد نیست که بلوغ در دختران از ۱۰ سالگی تجاوز می‌نماید. لیکن اختلافی که وجود دارد این است که دختران در ۹ سالگی بالغ می‌شوند و یا در ۱۰ سالگی؛ شهید ثانی در این باره می‌فرماید: «همه فقهاء اهل سنت در بلوغ زن با ما مخالف هستند و معتقدند که بلوغ زن کمتر از ۱۵ سال نیست و در زاید بر آن با یکدیگر اختلاف دارند.» (عاملی، ۱۴۰۷: ۲۴۸).

سن شروع مسئولیت کیفری در قوانین ایران

اگر مسئله سن مسئولیت کیفری اطفال را به عنوان یکی از موضوعات راجع به حقوق اطفال معارض با قانون نام ببریم سخنی به گزاف نگفته‌ایم. چرا که با تعیین این محدوده‌ی سنی کلیه افراد مشمول آنرا واجد مسئولیت و به تبع آن مستحق مجازات می‌شناسیم (میرمحمد صادقی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱). در سیاست جنایی ایران، هیچ سازوکاری برای حمایت از کودکان و نوجوانان، پیش بینی نشده است، چرا که بدون در نظر گرفتن شرایط اقلیمی و اجتماعی ایران و صرفاً با توجه به این که قوانین جزایی از فقه اقتباس شده است؛ سن مسئولیت کیفری، سن بلوغ در نظر گرفته شده است (درویش ترابی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲).

مسئله سن مسئولیت کیفری از آنجا که مشخص کننده‌ی جمعیت مشمول مقررات کیفری و در نتیجه تحمیل بار مجازات بر افراد می‌شود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و در بیست سال اخیر توجهات زیادی نسبت به این موضوع صورت گرفته است بگونه ای که تعیین سن مناسب برای مسئولیت کیفری به یکی از مشغله‌های مهم برای علاقه‌مندان به حوزه‌ی بزهکاری اطفال تبدیل شده است.

در این خصوص برای تعیین یک عکس العمل مناسب اولین قدم، تعیین یک مقطع زمانی در فرآیند رشد افراد است که از آن زمان به بعد می‌توان وی را واجد قوه‌ی تمییز و ادراک، عنصر روانی و در نتیجه عمد در ارتکاب عمل دانست که به تبع آن قابلیت مجازات وی هم محرز می‌گردد. به دلیل عدم قوه‌ی تمییز در کودکان، ارکان تشکیل دهنده‌ی مسئولیت کیفری (تمییز، رشد، عقل و بلوغ) در آنها به طور کامل تحقق نمی‌یابد و این چیزی است که در عصر حاضر در مورد آن اتفاق نظر

وجود دارد. آنچه که در قوانین کشورهای مختلف موجب اختلاف شده، تعیین سنی است که به ۱۳۵۰ اعتقاد قانونگذار در آن ادراک و تمییز حاصل میشود.

سن مسئولیت کیفری در قوانین قبل از انقلاب اسلامی

در این قسمت تلاش خواهد شده است که وضعیت سن مسئولیت کیفری در مقررات و قوانین قبل از انقلاب اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

قانون جزای عرفی مصوب ۱۳۳۵ ق

اولین قانونی که در باب مسئولیت کیفری وجود دارد؛ قانون جزای عرفی پیشنهاد نصرت الدوله - وزیر عدلیه، مصوب ۵ جمادی الاول ۱۳۳۵ هیات وزیران است که اجرای موقت آن را تصویب کرده ولی این مصوبه به تصویب مجلس آن زمان نرسیده و عملاً به مرحله اجرا در نیامد.

در ماده ۶۶ آمده است: «در صورتیکه شخص مرتکب غیربالغ و غیرممیز باشد از مجازاتی که برای مرتکب بالغ ممیز مقرر است معاف خواهد بود ولی باید بر حسب اوضاع و احوال او را با قید التزام به اولیای او تسلیم نمود یا به حکم محکمه به تربیت خانه فرستاد که در آنجا محفوظ و به تربیت مقرر تربیت شود و نهایت مدتیکه برای این توقیف مقرر می شود حد بلوغ است.» همانطوریکه در این ماده آمده است، سن مسئولیت کیفری، بلوغ و تمییز است. یعنی کسی دارای مسئولیت کیفری است که از این مقوله «بلوغ» و «تمییز» برخوردار باشد، و نظر به این که قانونگذار، سنی را برای بلوغ و تمییز در نظر نگرفته بود، در نتیجه تشخیص آن با دادگاه بوده که بالتبع، با استفاده از پزشک و اهل خبره، بلوغ و تمییز مشخص و معین می گردید و با این کیفیت، سن مسئولیت کیفری نسبت به هر مرتکب، متفاوت می بود (درویش ترابی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸). به عبارت دیگر سن مسئولیت کیفری در این قانون با ملاک شخصی بود.

هر چند قانون جزای عرفی به واسطه عدم پیش بینی دادگاه اطفال و کانون اصلاح و تربیت، دارای نواقصی بود. ولی با توجه به وضع زمانی مقررات فوق‌الذکر، و عدم تعیین سن برای مسئولیت کیفری و احراز بلوغ و تمییز به عنوان ملاک تشخیص مسئولیت، قابل توجه و دفاع می باشد.

قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ ش

دومین قانونی که در باب مسئولیت کیفری وجود دارد، قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ است که با توجه به اینکه براساس تحولات کیفری موجود در جوامع غربی آن زمان وضع گردید و در نوع خود از قوانین در خور توجه به حساب می آید.

قانون مجازات عمومی، متأثر از مکتب کلاسیک و قانون جزای فرانسه ۱۸۱۰ م؛ و همچنین ملهم از آموزه‌های اسلامی تدوین و در تاریخ ۱۳۰۴/۱۰/۲۳ تصویب شد. این قانون برای اولین بار در تاریخ قانونگذاری ایران، در فصل سوم باب سوم، رویکردی افتراقی نسبت به اطفال و نوجوانان معارض قانون و بزه دیده در پیش گرفت (محمودیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۲).

قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهار

سومین قانونی که در باب سن مسئولیت کیفری وجود دارد، قانون مربوط به دادگاه‌های اطفال در سال ۱۳۳۸ است. طبق ماده ۴ این قانون، «به کلیه جرایم اطفال که سن آنها بیش از ۶ سال تا ۱۸

سال تمام است، طبق این قانون در دادگاه اطفال رسیدگی می‌شد. «این قانون در مقایسه با قانون سال ۱۳۵۱ ۱۳۰۴ حداقل سن مسئولیت کیفری را از ۱۲ سال به ۶ سال تقلیل داد و بر خلاف قانون ۱۳۰۴

دسته‌های سنی را نامگذاری نکرد. به علاوه در این قانون با پذیرش قاطع ضابطه تمیز سن مسئولیت کیفری دختران و پسران امری واحد تلقی شد و با توجه به این ضابطه، اطفال اعم از دختر و پسر را از حیث مسئولیت تدریجی به سه دسته تقسیم نمود:

الف) اطفال تا ۶ سال تمام، قابل تعقیب جزایی نخواهند بود (ذیل ماده ۴).

ب) اطفال ۷-۱۲ سال تمام که به منظور تأدیب، تربیت با اخذ تعهد به اولیاء یا سرپرست تحویل داده می‌شدند و در مواردی که این اشخاص صلاحیت نداشتند، برای مدت ۶-۱ ماه به کانون اصلاح و تربیت اعزام می‌شدند (ماده ۱۷).

ج) در ماده ۱۸ ضمن تفکیک قائل شدن بین مرحله سنی ۱۵-۱۲ سال و ۱۸-۱۵ سال برای هر دو گروه، مجازات‌هایی را مشخص کرده بود، البته برای گروه اخیر مجازات شدیدتر نیز بود. به همین اعتبار از حیث مجازات‌ها و واکنش‌ها این قانون در واقع اطفال را در چهار مقطع سنی دسته‌بندی نمود (شامبیاتی، ۱۳۸۳: ۵۴).

البته قانون پیش گفته تا سال ۱۳۴۵ اجرایی نشد و تنها در تاریخ ۱۳۴۵/۰۸/۲۶ نخستین دادگاه اطفال در تهران تأسیس شد و تا سال ۱۳۵۶ دو شعبه در تهران به فعالیت خود ادامه دادند (نوربها، ۱۳۸۳: ۸۶).

سن مسئولیت کیفری در قوانین بعد از انقلاب اسلامی

سیاست جنایی قانونگذار جمهوری اسلامی ایران، در خصوص تعیین سن مسئولیت کیفری، با توجه به گذشت بیش از سه دهه از انقلاب، یکی از مسائل بسیار مهم و دغدغه‌های چالش برانگیز در نظام کیفری محسوب گشته و اطفال و نوجوانان را که موضوع بحث مقررات مربوطه می‌باشد را درگیر خود نموده است.

وضع مقررات راجع به سن مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در بعد از انقلاب، بدون در نظر گرفتن مقررات عرفی قبل از انقلاب و اسناد بین‌المللی صورت پذیرفت. به عبارت دیگر تعارض و تناقض آشکار بین مقررات فعلی و مقررات عرفی و اسناد بین‌المللی وجود دارد. در حالیکه مقررات عرفی و اسناد بین‌المللی، هیچ تعارضی با مقررات شرعی نداشته و به جای آن که قانونگذار بعد از انقلاب، گام‌های اساسی جهت پیشرفت به جلو داشته باشد. متأسفانه گام‌هایی به عقب برداشته و در این راستا مشکلاتی را به اطفال و نوجوانان، خانواده آنان، تشکیلات قضایی و علی-الخصوص اجتماع به وجود آورده است (درویش ترابی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸).

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

در تاریخ ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ قانون جدید مجازات اسلامی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. هنگامی که قانونگذار، سنی را به عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری مشخص می‌کند، به طور ضمنی

این پیام را منتقل می‌کند که از دید وی، کودک در این سن به آن حد از بلوغ عاطفی، روانی و ذهنی ۱۳۵۲ رسیده است که بتواند مسئول رفتارهای خود پنداشته شود.

به این ترتیب روشن است که تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری باید با در نظر گرفتن واقعیت‌های رشد ذهنی و روانی کودکان انجام شود. در واقع اقدام برای تعیین سنی مناسب برای مسئولیت کیفری، تکاپویی است برای رسیدن به پاسخ صحیح در این مورد که کودک در چه سنی طبیعت عملی که انجام داده است را به طور کامل درک می‌کند و در نتیجه، این قابلیت را دارد که مسئولیت ناشی از آن را بپذیرد.

قانونگذار مجازات اسلامی ۱۳۷۰ این کار را به نحوی بسیط انجام داده و مقرر کرده بود که افراد تا قبل از رسیدن به سن بلوغ، فاقد مسئولیت کیفری و پس از آن دارای مسئولیت کیفری کامل هستند. به این ترتیب با تبعیت از شیوه‌ی دفعی و یکباره در تحقق مسئولیت کیفری اطفال، مرز بین حداقل سن مسئولیت کیفری و سن بلوغ کیفری را در آمیخته و هر دو را یکسان انگاشته بود.

در نظام تدریجی، دو مفهوم حداقل سن مسئولیت کیفری و سن بلوغ کیفری از یکدیگر تمایز می‌یابند. حداقل سن مسئولیت کیفری، حداقل سنی است که از نظر نظام عدالت کیفری، فرد این قابلیت را پیدا می‌کند که در دادگاه کیفری مورد محاکمه قرار گیرد. اما این به هیچ‌وجه بدان معنا نیست که از همین سن می‌توان با او مانند بزهکاران بزرگسال برخورد کرد. در مقابل، سن بلوغ کیفری آن سنی است که فرد با گذر از آن، مسئولیت کیفری کامل پیدا می‌کند و به مثابه یک بزرگسال، مجازات می‌شود (صبوری پور، ۱۳۹۲، ص ۱۷۷).

نتیجه گیری

نه در قرآن کریم و نه در سنت، معیار دقیقی از سن مسئولیت کیفری، تعیین و معین نگردید. در قرآن کریم، فقط به معیارهایی چون «بلوغ حلم»، «بلوغ نکاح» و «بلوغ اشد» اشاره شده است. در سنت، معیار بلوغ، احتلام و حیض است و سن، یا سن‌های معین اعلامی، فقط به عنوان طریقت، بر معیار فوق می‌باشد. آنچه در صدر اسلام به عنوان بلوغ شرعی در دختران و پسران بیان گردیده، به نظر می‌رسد سنی بوده که در تناسب با زمان و مکان خاص خودش بیانگر توانایی جسمی، عقلی و جنسی افراد بوده است. در حالیکه در عصر حاضر و با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی جامعه‌ی فعلی نمی‌توان یقین حاصل کرد که دختران ۹ ساله و پسران ۱۵ ساله از همه نظر بالغ بوده و می‌توان آنها را از لحاظ کیفری مسئول شناخت.

البته در قوانین و مقررات ایران این دو مقوله، یعنی سن مسئولیت کیفری و سن بلوغ کیفری، یکسان انگاشته شده و طفلی که به سن ۹ یا ۱۵ سالگی رسیده بلافاصله از فردای روزی که وارد این سنین میشود دارای مسئولیت تام کیفری تلقی شده و واکنش اجتماعی نسبت به او همچون سایر افراد بزرگسال جامعه خواهد بود. به عبارتی دیگر در کشور ما سن مسئولیت کیفری و سن بلوغ کیفری واحد بوده و مرحله‌ی بینابینی میان سن مسئولیت کیفری و سن بلوغ کیفری که در طول آن طفل یا کودک بزهکار تحت رژیم خاص جزایی قابل تعقیب و محاکمه باشد وجود ندارد

و کودک بلافاصله از ۹ تا ۱۵ سالگی وارد سن بلوغ کیفری شده و مانند بزرگسالان با وی برخورد ۱۳۵۳ خواهد شد.

بنابراین در صورتی که پسر و دختر غیر بالغ مرتکب زنا یا قتل یا سرقت شوند حد بر آنها جاری نمیگردد. روایت هایی که بر خلاف این نظریه هستند یا از نظر سند دارای اشکال است و یا باید به توجیه آنها پرداخته شود بویژه با عنایت به این مطلب که فلسفه مجازات ها انتقام جویی نیست بلکه اصلاح جامعه و حفظ نظام اجتماعی است لذا حد و تعزیر را نباید با هم خلط کرد.

قانونگذار در سال ۱۳۹۲ اقدام به تغییرات مهمی در این حوزه نمود. نخست، در جرایم تعزیری، بین حداقل سن مسئولیت کیفری و سن بلوغ کیفری تفکیک قائل شد و سپس آزادی عمل قضات برای عدم اجرای حد و قصاص در مورد مرتکبان زیر سن ۱۸ سال را افزایش داد.

قانونگذار ایران به جای تعیین «سن رشد کیفری» فقط به سن بلوغ، اکتفاء کرده است. با توجه به اینکه رسیدن به بلوغ، بستگی کامل به شرایط وراثتی و محیطی و مصادیقی از این قبیل دارد، در نتیجه رسیدن به بلوغ، به منزله رسیدن به رشد کیفری نیست و بایستی، سن مشخصی برای رشد کیفری تعیین و معین گردد، تا کودکان بی‌گناهی که از لحاظ قانونی به سن بلوغ رسیده، ولی از رشد کیفری برخوردار نیستند؛ بی‌جهت مورد تعقیب و عقوبت قرار نگیرند.

منابع

- ۱) حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۶ ق) منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، جلد ۲، مجمع البحوث الاسلامیه، مشهد.
- ۲) حیدری، مسعود (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی سن مسئولیت کیفری اطفال در فقه اسلامی، اسناد بین المللی و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال سوم شماره ۱، پیاپی ۷.
- ۳) روحانی، حسن، مهرپور، حسین (۱۳۹۱). سن اهلیت و مسئولیت قانونی قانونی در فقه اسلامی و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات استراتژیک: تهران
- ۴) شایگان فرد، مجید. ادیب زهرا (۱۳۹۲). «فلسفه و مبنای تعیین بلوغ به عنوان سن مسئولیت کیفری»، کنفرانس ملی سیاست کیفری ایران در قبال بزهکار و بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان، کرمان، دانشگاه تحصیلات تکمیلی صنعتی و فناوری پیشرفته.
- ۵) شامیاتی، هوشنگ. (۱۳۸۳). بزهکاری اطفال و نوجوانان، چ ۱۲، انتشارات مجد: تهران.
- ۶) عاملی حر، محمد حسن (۱۹۹۷ م)، وسائل الشیعه، ج ۱، دارالتراث العربی: بیروت، باب ۴، حدیث ۱۱.
- ۷) صبوری پور، مهدی. علوی صدر، فاطمه. (۱۳۹۲). «سن مسئولیت کیفری کودکان و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۱، پیاپی ۱۱.
- ۸) محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۱۲ ق). نکت النهایه، دفتر انتشارات اسلامی: قم
- ۹) موسوی خمینی، روح الله (۱۳۹۰). تحریر الوسیله، جلد ۲، نشر آداب، نجف،

۱۰) میرسعیدی، منصور (۱۳۹۰)، گزارش نشست تخصصی سن مسئولیت کیفری، وزارت دادگستری - مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک.

۱۱) میرمحمد صادقی، منصوره محمدی. (۱۳۹۲). «بررسی سن مسئولیت کیفری اطفال در ادوار قانونگذاری ایران و فقه جزایی اسلام»، کنفرانس ملی سیاست کیفری ایران در قبال بزهکار و بزه-دیدگی کودکان و نوجوانان، کرمان، دانشگاه تحصیلات تکمیلی صنعتی و فناوری پیشرفته.

۱۲) میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۷) طبقه‌بندی اطفال بزهکار در نظام کیفری انگلستان، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱، ص ۲۵-۲۶

۱۳) نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۲). درباره سیاست جنایی افتراقی، دیباچه در: درآمدی بر سیاست جنایی، نوشته کریستین لازرژ، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، تهران: نشر میزان.

۱۴) نجفی، جعفر بن حسن، محقق حلّی، نجم الدین (۱۴۰۸ هـ.ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۲، دوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ص ۸۴ و ۸۵.

۱۵) نوربها، رضا. (۱۳۸۳). نگاهی به قانون مجازات اسلامی، چاپ دوم، نشر میزان: تهران.

۱۶) ولیدی، محمد صالح (۱۳۶۶) مسئولیت کیفری، انتشارات امیرکبیر: تهران